

ارتباط عملکرد خانواده با رفتارهای وندالیستی (خرابکارانه) دانش‌آموزان در شهر جوانرود استان کرمانشاه

طلعت اله یاری^۱، نامدار حسینی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۳/۲۵

چکیده:

هدف از انجام این پژوهش کسب شناخت در باره‌ی تأثیر عملکرد خانواده بر میزان بروز رفتارهای خرابکارانه در دانش‌آموزان دبیرستانی شهر جوانرود از توابع استان کرمانشاه بوده است. روش تحقیق توصیفی هم‌بستگی از نوع میدانی (پیمایشی) است. جمعیت آماری را کلیه‌ی دانش‌آموزان دختر و پسر دوره‌ی اول، دوم و سوم دبیرستان در شهر جوانرود استان کرمانشاه تشکیل می‌دهد و با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۳۵۷ نفر از آنان به عنوان حجم نمونه با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شده‌اند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه استاندارد مک‌مستر برای عملکرد خانواده و پرسش‌نامه‌ی محقق ساخته برای رفتارهای وندالیستی است. یافته‌ها نشان می‌دهد میان میزان کلی عملکرد خانواده و شاخص‌های سه‌گانه‌ی آن (ایفای نقش‌های خانوادگی، حل مشکل و میزان ابراز عواطف در خانواده) با متغیر میزان بروز رفتارهای وندالیستی ارتباط معکوس وجود دارد. بر اساس نتایج تحلیل رگرسیون، میزان حل مشکل در خانواده‌ی دانش‌آموزان با بتای ۰/۷۳۷-، میزان ابراز عواطف در خانواده با بتای ۰/۶۹۲- و میزان ایفای نقش‌های خانوادگی با بتای ۰/۰۶۹ به ترتیب بیش‌ترین سهم را در تبیین متغیر وابسته رفتارهای خرابکارانه دانش‌آموزان دارند.

واژه‌های کلیدی: عملکرد خانواده، وندالیسم، نقش‌های خانوادگی، ابراز عواطف، حل مشکل

siba۳۴۵@yahoo.com

^۱ - دانشیار مددکاری اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول)

^۲ - کارشناس ارشد مددکاری اجتماعی - دانشگاه علامه طباطبایی

۱- طرح مسأله

زندگی اجتماعی انسان به وسیله‌ی هنجارها، قوانین و مقررات اداره می‌شود. اگر افراد جامعه به قوانین و مقررات و هنجارهای اجتماعی که رفتار آن‌ها را به عنوان مناسب و نامناسب تعریف می‌کنند، مقید نباشند، فعالیت‌های انسان متوقف و یا دچار هرج و مرج می‌شود. در این جا باید گفت که یکی از مسائلی که زندگی اجتماعی انسان را دچار هرج و مرج می‌کند، انحراف اجتماعی است. انحراف اجتماعی شیوه‌ی رفتاری است که خلاف توافق جامعه است و به این صورت تعریف می‌شود: عدم هم‌نوایی با یک هنجار و یا دسته‌ای از هنجارها که برای اکثر افراد جامعه مورد پذیرش است. از دیدگاه جامعه‌شناسی انحرافات، انحرافات اجتماعی یک پیوستاری از رفتار است که هم به تخلف از قانون و هم به تخلف از هنجارهای اجتماعی و فرهنگی بدون قانون شکنی رسمی ارجاع داده می‌شود.

تقسیم رفتار انحرافی به بزهکاری و جرم براساس سن فرد انجام می‌شود. به نظر شومیکر انحرافات که بوسیله‌ی جوانانی انجام می‌شود که هنوز به سن قانونی نرسیده‌اند، بزهکاری نام دارد و جوانانی که این اعمال را مرتکب می‌شوند بزهکار نامیده می‌شوند. در منابع مربوط به انحرافات اجتماعی، خرابکاری به مثابه‌ی نوعی بزه و از انواع جرائم خرد مطرح است (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۲۶). خرابکاری به معنای تخریب اموال عمومی و خصوصی توسط جوانان و نوجوانان است که یکی از شایع‌ترین انواع بزهکاری جوانان است. رفتار بزهکارانه یا ضد اجتماعی که تحت عنوان خرابکاری تعریف شده است، شامل تخریب کیوسک‌های تلفن، تابلوهای رانندگی، پاره کردن صندلی اتوبوس و سینما، آسیب رساندن به اموال مدرسه و پارک‌ها و کتابخانه‌های عمومی و غیره است که به عنوان یک مشکل اجتماعی مطرح است. هر چند بک^۲ خرابکاران را بر اساس پاداش مالی به دو دسته‌ی حرفه‌ای و آماتور تقسیم می‌کند، اما همان‌گونه که کوهن گفته است، بزهکاری پسران غیر سودجویانه است، اینان به دلیل احتیاج و مشوق‌های مالی سرقت نمی‌کنند، بلکه عمدتاً به علت سرگرمی دست به این کار می‌زنند؛ بنابراین این باید در تعریف خرابکاری به خصوصیات پیچیده‌ی آن توجه کرد. به طور کلی خرابکاری نه تنها به عنوان یک رفتار بزهکارانه، بلکه به مثابه‌ی یک معضل یا مسأله اجتماعی در بسیاری از جوامع مطرح است. بدین سان خرابکاری یا وندالیسم که بیش‌تر به قشر جوان و نوجوان بر می‌گردد، از مسائل

^۱- Shoemaker^۲- Buck

مهم اجتماعی است. این مسأله از آن رو اهمیت می‌یابد که گفته شود، خرابکاری هم خسارات بعضاً هنگفتی به بودجه عمومی می‌رساند و هم در برخی از موارد زندگی اجتماعی و روزمره‌ی انسان‌ها، حتی خود خرابکاران را دچار اختلال می‌کند. بنابراین پژوهش در این زمینه می‌تواند کاهش آسیب اجتماعی را به دنبال داشته باشد.

تا کنون نظریه‌های مختلفی سعی در تبیین رفتار خرابکارانه داشته‌اند و تقریباً عنصر مشترک در میان تمام این نظریات تأکید بر خانواده به عنوان محمل نخستین جامعه‌پذیری نوجوانان بوده است. مسأله اصلی این پژوهش یافتن زمینه‌هایی در وضعیت عملکرد خانوادگی است که به‌طور مستقیم و غیر مستقیم در بروز رفتار خرابکارانه مؤثر هستند.

۲- مبانی نظری

در بررسی مبانی نظری وندالیسم از دو رویکرد روانشناسی اجتماعی و رویکرد جامعه‌شناسی استفاده شده است.

۲-۱- رویکرد روانشناسی اجتماعی

در این رویکرد به دو نظریه‌ی کنترل اجتماعی و فرصت افتراقی توجه شده است.

۲-۱-۱- نظریه‌ی «کنترل اجتماعی»^۱

نظریه‌ی کنترل اجتماعی، تاریخی طولانی دارد و این عقیده که ارتکاب رفتار منحرفانه توسط جوانان به علت فقدان کنترل اجتماعی است برای مدتی قابل قبول بوده است. کنترل عبارت است از توان اعمال قدرت، هدایت یا بازداشتن اعمال دیگران. کنترل در موارد مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، قضایی و... دارای کاربرد است.

«نای»^۲ (۱۹۸۵)؛ «هرشی»^۳ (۱۹۶۹)؛ «الیوت»^۴ (۱۹۸۸) بر سازمان‌های کنترل اجتماعی مانند خانواده و مدرسه تمرکز کردند و بر این باورند که جوانان به علت فقدان یا تضعیف نیروهای کنترل اجتماعی مرتکب اعمال بزهکارانه می‌شوند.

^۱ - Social Control

^۲ - Nye

^۳ - Hirschi

^۴ - Elliot

به عبارت دیگر آن‌ها معتقدند که هنگامی که کنترل اجتماعی به اندازه‌ی کافی قوی باشد از وقوع کجروی جلوگیری می‌شود اما زمانی که کنترل‌های داخلی و خارجی ضعیف باشد یا این‌که از میان رفته باشد رفتار کجروانه خود را نشان می‌دهد. آن‌ها در مورد این تعلقات فرد به سازمان‌های اجتماعی از جمله خانواده و مدرسه تمرکز کردند و بر این باورند که جوانان به علت فقدان یا تضعیف نیروهای کنترل اجتماعی مرتکب اعمال بزهکارانه می‌شوند و معتقدند چنین تعلقاتی معمولاً به وسیله‌ی کنش متقابل میان فرزندان و والدین و میزان و کیفیت این کنش و هم‌چنین کنش متقابل میان دانش‌آموزان و معلمان سنجیده می‌شود.

۲-۱-۲- نظریه‌ی فرصت افتراقی «ادوین ساترلند»^۱

ادوین اچ. ساترلند در سال ۱۹۳۹ برای نخستین بار نظریه‌ی «همنشینی افتراقی» را مطرح ساخت. بنابراین نظریه، نزدیکان و هم‌سالانی که بزهکار باشند تأثیر زیادی بر تشکیل و تقویت نگرش بزهکاری می‌گذارند و فرد را به سوی بزهکاری سوق می‌دهند. به عبارت دیگر ساترلند معتقد است که رفتار انحرافی از طریق داشتن روابط اجتماعی با انواع خاصی از مردم آموخته می‌شود. بنابراین برای این‌که فردی بزهکار شود ابتدا باید بیاموزد که چگونه می‌توان مرتکب انحراف شد و تعریف‌هایی را فراگیرد که توسل به رفتارهای کجروانه را نوعی ارزش و نیاز عمومی اعضای جامعه محسوب کند. وی این تعاریف را در فرایند همنشینی با بزهکاران فرا می‌گیرد. علاوه بر این ساترلند معتقد است که غالب رفتار تبهکارانه در درون گروه‌های نخستین به ویژه گروه‌های هم‌آلان فراگرفته می‌شود و تأثیر گروه‌های هم‌آلان در دروه‌ی بلوغ به اوج خود می‌رسد. به تعبیر دیگر ساترلند تحقق کجروی را مستلزم جامعه پذیر شدن در نظامی از ارزش‌ها می‌داند که او را تشویق به نقض هنجارهای جامعه می‌کند. بنابراین روش‌های خستی‌سازی فرد و بی‌اعتنا ساختن او نسبت به قوانین و معتقدات سنتی جوامع که با شنیدن مطالبی بر ضد قوانین و مشاهده‌ی مکرر بزهکاری همراه است و نیز تحت تأثیر توجیه بزهکاران درباره‌ی بزهکاری قرار گرفتن و پذیرفتن مطالبی همانند «کارهایی که مردم بزه می‌دانند به کسی آسیب نمی‌رساند» و «نیروهای انتظامی به همه بد گمانند» راه را برای بزهکاری کسانی که با این قبیل بزهکاران پیوند اجتماعی می‌یابند هموار می‌کند.

^۱ - Sutherland

رویکرد جامعه‌شناختی

در رویکرد جامعه‌شناختی نظریه‌ی بی‌سازمانی اجتماعی و آنومی مرتن و دورکیم بررسی می‌شود.

نظریه‌ی بی‌سازمانی اجتماعی

از نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم تا میانه‌ی قرن بیستم، توسعه‌ی نظری مفهوم آنومی و بی‌سازمانی اجتماعی به وسیله‌ی دورکیم، مرتن، پارک و برجس و مفهوم از خودبیگانگی به وسیله‌ی مارکس به مطالعات اصالت محیط اروپایی و امریکایی جرم‌شناسی و بزهکاری کمک کرد. این مطالعات یک هم‌بستگی معنادار میان رفتار انحرافی و عواملی چون سن، جنس، تراکم جمعیت، مذهب (دورکیم)، شرایط کار و فقر و رشد جمعیت و شهرنشینی پیدا کردند. این نظریه‌پردازان، نظریات مختلفی ارائه دادند که بر توسعه‌ی نظریات جامعه‌شناختی انحرافات تأثیر به‌سزایی داشت.

معروف‌ترین تعریفی که از بی‌سازمانی اجتماعی شده، تعریفی است که «توماس و زنائیکی» حدود سال ۱۹۱۰ عنوان کرده‌اند. به اعتقاد آنان بی‌سازمانی عبارت است از ضعف هنجارها در انتظارات بر نقش‌ها و رفتارهای افراد اجتماع. این تعریف در واقع مشابه نظریه‌ی دورکیم است که اعتقاد دارد هر گاه نظارتی که جامعه بر رفتارها و هنجارها دارد ضعیف یا حذف شود حالت آنومی به وجود خواهد آمد.

مدل مک‌مستر^۱ درباره‌ی کارکرد خانواده

این مدل تکامل یافته‌ای است که از یک مدل انتشار نیافته به‌نام طرح طبقات خانوادگی که برای نخستین بار در سال ۱۹۷۲ مطرح شد. این مدل، راه مفیدی برای بررسی خانواده‌ها ارائه داده است و بر رویکرد نظام‌مدار استوار است. این رویکرد ۶ جنبه‌ی کارکرد خانواده را مد نظر قرار می‌دهد:

- ۱- حل مسأله ۲- ارتباط ۳- نقش‌ها ۴- پاسخ‌گویی عاطفی ۵- مشارکت عاطفی ۶- کنترل رفتار.

با توجه به این که فرضیات تحقیق از این مدل أخذ شده است؛ لذا به تشریح کامل ابعاد این مدل ارزیابی عملکرد خانواده می‌پردازیم:

^۱ - Mc Master

۱- حل مشکل^۱: این بعد مربوط می‌شود به توانایی خانواده در حل مشکلات تا حدی که بتواند کارایی مؤثری داشته باشد. دو نوع مشکل در این سازه مشخص می‌شود؛ ابزاری که مربوط به مسائل عملی و روزمره‌ی زندگی مانند تهیه‌ی غذا، مسکن، پوشاک و تأمین بودجه‌ی خانواده در حد کفایت است و عاطفی که مربوط به احساسات است، برای مثال: خشونت یا عدم اعتماد میان اعضای خانواده است. حل مشکل شامل هفت مرحله است:

۱- شناسایی مشکل ۲- مشکل را به اطلاع منابع یا افراد ذیربط رساندن ۳- چاره‌اندیشی برای چند راه حل ۴- تصمیم در مورد یک راه حل عملی ۵- اجرا و عمل کردن به تصمیم ۶- کنترل اجرایی ۷- ارزشیابی میزان موفقیت راه‌حل به‌کار گرفته شده. هرگاه هر هفت مرحله خوب پیش برود، مشکل به مؤثرترین شکل حل می‌شود و هر گاه خانواده در شناسایی و تشخیص مشکل خود درمانده شود در حل مشکلات ناتوان خواهد بود.

۲- ارتباط^۲

این بعد مربوط به توانایی خانواده در تبادل اطلاعات است. مؤلفان مدل مک مستر بیشتر ارتباط کلامی را مد نظر قرار می‌دهند که معمولاً می‌تواند به‌صورت آشکار یا ناآشکار صریح یا غیر صریح باشد.

«مؤثرترین شکل ارتباط، نوع آشکار و صریح آن است و کم مؤثرترین آن‌ها ارتباط نقاب‌دار و غیر صریح است. زیرا پیام‌های ناآشکار و غیر صریح به دلیل ابهام، دوگانگی، تعارض و پوشیده بودنشان، مخاطبان را سر در گم و مضطرب می‌سازند و در چنین شرایطی احتمال بد فهمی و یا حتی سوء استفاده‌ی شخصی واسطه وجود دارد» (نوروزی، ۱۳۷۷: ۶۷). ارتباط مؤثر یکی از مهم‌ترین ملزومات یک رابطه‌ی صمیمانه است. ارتباط در خانواده از الگوهای خاصی تبعیت می‌کند.

۳- نقش‌ها^۳

«نقش‌ها به الگوهای تکراری رفتار افراد خانواده اطلاق می‌شود؛ الگوهایی که اعضا توسط آن کارکردهای خانواده را محقق می‌سازند. به عبارت دیگر، به رفتارهای توصیه شده و تکراری موجود در مجموعه‌ای از فعالیت‌های دو جانبه با سایر اعضای خانواده گفته می‌شود. ادای وظایف

^۱ - Problem Solving

^۲ - Communication

^۳ - Roles

مستلزم تخصیص نقش مناسب به افراد می‌باشد تا اعضای خانواده امور خواسته شده را طبق نقش‌های تفویض شده انجام دهند» (بارکر، ۱۳۷۵: ۱۰۰).

نقش‌ها موقعی به مؤثرترین شکل تحقق می‌یابند که در برگیرنده‌ی تمام کارکردهای ضروری خانواده باشند و به‌طور عادلانه نیز میان اعضا تقسیم شوند و هم‌چنین در خصوص انجام وظایف اعضا پیگیری مستمر انجام گیرد.

«نقش‌ها زمانی کمترین اثر را دارند که تقسیم آن‌ها و مؤاخذه دربارهِ نحوه‌ی انجام آن‌ها به شدت قابل‌مصلحه و قابل‌اغماض باشند» (بهاری، ۱۳۷۹: ۳۶).

۴- پاسخ‌گویی عاطفی^۱

در این بعد، چگونگی واکنش عاطفی خانواده در روابطش مورد مطالعه قرار می‌گیرد و این‌که آیا خانواده توانایی ابراز عواطف مختلف را دارد یا خیر؟ آیا واکنش‌های عاطفی‌اش متناسب با موقعیت هم به لحاظ کمی و هم کیفی است؟ در مدل مک مستر دو نوع واکنش عاطفی عمده شناسایی شده است:

۱- احساسات آسایش: که شامل واکنش‌های مثبتی مانند عشق، مهربانی، شادی و امثال آن است.

۲- احساسات اضطرابی: که شامل عواطفی مانند ترس، اضطراب، خشم و مانند آن است.

«کارایی عاطفی در این بُعد شامل توانایی خانواده در ابراز دامنه‌ی وسیعی از احساسات متناسب با موقعیت است» (همان: ۳۷).

۵- مشارکت عاطفی^۲

«در این بعد به تشریح نوع مشارکت و درگیر بودن اعضای خانواده با یک‌دیگر به لحاظ عاطفی پرداخته می‌شود. این بعد به درجه‌ی کیفیت علاقه و نگرانی اعضای خانواده نسبت به هم مربوط است» (بارکر، ۳۸-۴۰: ۱۳۷۵).

خانواده مسئولیت تأمین نیازهای عاطفی اعضایش را به عهده دارد و این مسئولیت زمانی کاهش می‌یابد که اعضا به آن درجه از بلوغ و مرحله‌ی رشد برسند که برخی از نیازهایشان توسط افراد خارج از خانواده برطرف شود. این پدیده معمولاً هنگام بلوغ فرزندان واقع می‌شود. در مدل مک مستر ۶ نوع مشارکت عاطفی در نظر گرفته شده است:

^۱ - Affective Responsiveness

^۲ - Affective Participation

- ۱- فقدان مشارکت: به گونه‌ای که اعضای خانواده زیر یک سقف اما مانند بی‌گانه با یکدیگر زندگی می‌کنند و نیازهای عاطفی آن‌ها معمولاً ارضا نشده است. در چنین فضایی، افراد خانواده غالباً تنها و ناخشنود هستند.
- ۲- مشارکت عاری از عاطفه: به نظر می‌رسد در چنین خانواده‌هایی، مشارکت اعضا با یکدیگر بیش‌تر بر انجام وظیفه (ادای دین)، نیاز به مهار یکدیگر و یا صرفاً به دلیل کنجکاوی است.
- ۳- مشارکت همدلانه: این نوع مشارکت بر اساس درک واقعی اعضا از نیازهای یکدیگر صورت می‌گیرد و به پاسخ‌هایی می‌انجامد که این نیازها را بر آورده می‌کند.
- ۴- مشارکت ناشی از خود شیفتگی: در چنین خانواده‌هایی مشارکت اعضا به منظور ارضا احساسات خود-ارزشی است و در واقع به دلیل توجه و علاقه به یکدیگر نیست.
- ۵- مشارکت هم‌زیستانه (انگل وار): در این قبیل خانواده‌ها، روابط جدماً بیمار گونه است؛ اعضا فقط برای استفاده از یکدیگر با هم زندگی می‌کنند.
- ۶- مشارکت بیش از حد: اعضای خانواده به بهانه‌ی مشارکت به حریم یکدیگر تجاوز می‌کنند و در امور هم مداخله‌ی بیش از اندازه دارند. در این بعد مشارکت همدلانه به عنوان مؤثرترین و مشارکت هم‌زیستانه به عنوان کم اثرترین نوع قلمداد گردیده‌اند.
- ۶- مهار رفتار: این بعد به قواعدی که خانواده بر اساس آن‌ها گذران امور می‌کند، مربوط است. هم‌چنین شامل میزان تأثیری است که اعضای خانواده بر یکدیگر دارند. خانواده‌ها برای بقا و سازگاری نیاز به شیوه‌هایی دارند که با آن رفتار اعضای خود را مهار کنند.

چارچوب نظری

در مبحث چارچوب تئوریکی تحقیق و مبانی نظری از نظریه‌های مختلف کنترل اجتماعی و مدل ارزیابی عملکرد خانواده مک مستر نام برده شد و چارچوب اصلی تحقیق که نظریه‌ی کنترل اجتماعی خانواده و مدل ارزیابی عملکرد خانواده مک‌مستر بود شرح داده شد. از آنجایی که متغیر مستقل در این عملکرد خانواده و هم‌چنین با توجه به این‌که فرضیات این تحقیق بر گرفته از مدل مک مستر است چهارچوب تئوریکی همان مدل ارزیابی عملکرد خانواده‌ی مک‌مستر است که مربوط به ویژگی‌های منظومه‌ی خانواده و بر خوردهای سیستمی و تبادلی اعضای خانواده است و برای بررسی ارتباط وضعیت عملکردی خانواده با میزان بروز رفتارهای وندالیستی در دانش‌آموزان مناسب است. در مدل مک‌مستر عملکرد کلی خانواده شامل شش بعد: نقش‌ها، حل مشکل، مهار

رفتار، ارتباط، پاسخ‌گویی عاطفی و مشارکت عاطفی است و در نسخه‌ی هنجاریابی شده آن شامل ۴۵ پرسش تنها ابعاد نقش‌های خانوادگی، حل مشکل و ابراز عواطف انتخاب شده‌اند.

فرضیات تحقیق

فرضیه اصلی: میان عملکرد کلی خانواده و رفتارهای وندالیستی دانش آموزان ارتباط وجود دارد.

- میان تقسیم نقش‌ها در میان اعضای خانواده و رفتارهای وندالیستی دانش آموزان ارتباط وجود دارد.

- میان حل مشکل اعضای خانواده و رفتارهای وندالیستی دانش آموزان ارتباط وجود دارد.

- میان ابراز عواطف اعضای خانواده و رفتارهای وندالیستی دانش آموزان ارتباط وجود دارد.

۳- روش شناسی

۳-۱- روش پژوهش

این پژوهش از روش پیمایش استفاده می‌کند. تحقیق پیمایش یکی از روش گردآوری، تنظیم و تحلیل داده‌هاست. داده‌های مربوط را می‌توان از طریق فنون متعددی گردآوری کرد و در بسیاری از مطالعات چه بسا استفاده از چند روش تحقیق مختلف مناسب باشد.

۳-۲- جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

کلیه‌ی دانش آموزان دختر و پسر مقاطع اول، دوم و سوم دبیرستان در شهر جوانرود استان کرمانشاه جمعیت آماری این تحقیق را تشکیل می‌دهند که بر اساس آمار موجود این افراد در سال تحصیلی ۱۳۸۸-۱۳۸۹، ۵۵۸۰ نفر بوده است (معاونت آموزشی آموزش و پرورش جوانرود، ۱۳۸۸)، برای برآورد حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد. بدین صورت که بر اساس مقادیر به دست آمده d و s و نیز حجم جمعیت دانش آموزان (۵۵۸۰ نفر) اگر خواسته باشیم ضریب اطمینان ۹۵ درصدی را در تحقیق رعایت کنیم تعداد اشتباه استاندارد لازم برای رسیدن به چنین ضریب اطمینانی $t = 1/96$ است. حجم نمونه از طریق فرمول کوکران ۳۵۷ نفر به دست آمده است.

$$n = \frac{Nt^2 \cdot p(p-1)}{Nd^2 + t^2 p(p-1)} = \frac{5580 (1/96)^2 \cdot 0/5(0/5)}{5580 (\%5)^2 + (1/96)^2 \cdot 0/5(0/5)} = 357$$

روش نمونه‌گیری در این تحقیق خوشه‌ای چند مرحله‌ای است. به این صورت که ساختار جغرافیایی شهر جوانرود به سه بخش شمالی، مرکزی و جنوبی تقسیم و در هر کدام از این بخش‌ها، از میان دبیرستان‌های دخترانه و پسرانه از هر کدام یک دبیرستان انتخاب شده است. در ادامه با استفاده از روش تصادفی ساده دانش‌آموزان نمونه انتخاب و پرسش‌نامه‌ها تکمیل شده است.

۴- یافته‌ها

۴-۱- نتایج توصیفی

۵۲/۴ درصد از دانش‌آموزان مورد بررسی پسر و ۴۷/۶ درصد جمعیت مورد بررسی را دانش‌آموزان دختر تشکیل داده‌اند. میانگین سن پاسخ‌گویان ۱۲ تا ۱۷ سال و میانه‌ی آن ۱۶ سال است. بر طبق جدول فوق، ۲۶/۶ درصد پاسخ‌گویان در گروه ۱۶ سال، ۳۵/۹ درصد در گروه ۱۷ سال و ۳۷/۵ درصد در گروه ۱۸ سال قرار دارند.

۲۴/۹ درصد از پاسخ‌گویان از لحاظ پایگاه اقتصادی اجتماعی در سطح پایین قرار داشته‌اند، ۵۲/۱ درصد متوسط و تنها ۲۳/۰ درصد در سطح پایگاه اقتصادی اجتماعی بالا بوده‌اند. نتایج بیان‌کننده‌ی توزیع تقریباً نرمال در پایگاه اقتصادی اجتماعی دانش‌آموزان است. ۷/۰ درصد از دانش‌آموزان از لحاظ میزان خرابکاری در گروه دانش‌آموزان غیروندال قرار گرفته‌اند. ۱۴/۰ درصد وندال خفیف، ۴۵/۴ درصد وندال بالقوه، ۲۰/۷ درصد وندال و ۱۲/۹ درصد وندال شدید بوده‌اند. در متغیر ایفای نقش‌های خانوادگی ۲۲/۷ درصد از دانش‌آموزان در سطح پایین قرار داشته‌اند. ۵۱/۳ درصد متوسط و ۲۶/۱ درصد در سطح بالای ایفای نقش‌های خانوادگی بوده‌اند. در متغیر حل مشکل در خانواده ۱۹/۶ درصد از دانش‌آموزان در سطح پایین قرار داشته‌اند. ۵۶/۶ درصد متوسط و ۲۳/۸ درصد در سطح بالای حل مشکل در خانواده بوده‌اند. در متغیر ابراز عواطف در خانواده ۱۴/۰ درصد از پاسخ‌گویان در سطح پایین قرار داشته‌اند. ۵۴/۶ درصد متوسط و ۳۱/۴ درصد دانش‌آموزان مورد بررسی در سطح بالای ابراز عواطف در خانواده بوده‌اند.

۴-۲- نتایج تحلیلی

۴-۲-۱- بررسی فرضیات تحقیق

جدول شماره‌ی یک- آزمون معنی داری رابطه میان متغیرهای مستقل با میزان خرابکاری دانش‌آموزان

متغیرهای مستقل	R Pearson	sig
عملکرد کلی خانواده	-۰/۲۵۴	۰/۰۰۰
میزان ایفای نقش‌های خانوادگی	-۰/۱۷۶	۰/۰۰۱
میزان توانایی حل مشکل	۰/۴۳۶	۰/۰۰۰
میزان ابراز عواطف	-۰/۲۲۷	۰/۰۰۰
متغیر وابسته: میزان خرابکاری دانش‌آموزان		

بر اساس نتایج به دست آمده در مورد فرضیات تحقیق می‌توان به صورت زیر قضاوت کرد:
 میان میزان ایفای نقش‌های خانوادگی در میان اعضا و رفتارهای وندالیستی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد (Sig=۰/۰۰۱ R Pearson=-۰/۱۷۶)
 میان میزان توانایی حل مشکل اعضا در خانواده و رفتارهای وندالیستی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد (Sig=۰/۰۰۰ R Pearson=-۰/۴۳۶)
 میان میزان ابراز عواطف و رفتارهای وندالیستی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد (Sig=۰/۰۰۰ R Pearson=-۰/۲۲۷)

۴-۲-۲- تحلیل رگرسیون چند متغیری

بر اساس آزمون رگرسیون چند متغیره و مطابق با جدول شماره‌ی دو در تبیین میزان وندالیسم دانش‌آموزان از روی مجموع متغیرهای موجود در فرضیات، ملاحظه می‌شود که ضریب هم‌بستگی چند گانه برابر $R = ۰/۶۴۳$ و ضریب تعیین $R^2 = ۰/۴۱۴$ و ضریب تعیین خالص $۰/۴۰۵$ به دست آمده است. یعنی از روی متغیرهای مستقل واقع در مدل می‌توان تا حدود ۴۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته‌ی وندالیسم (خرابکاری) دانش‌آموزان را پیش‌بینی کرد.

جدول شماره‌ی دو- آماره‌های رگرسیون چند متغیره

ضریب تعیین خالص	ضریب تعیین	ضریب هم‌بستگی چند گانه	شاخص‌های آماری مدل ۱
۰/۴۰۵	۰/۴۱۴	۰/۶۴۳	مقادیر

بر طبق ضرایب بتای استاندارد شده‌ی متغیرهای مستقل، ملاحظه می‌شود که میزان حل مشکل در خانواده دانش آموزان با بتای ۰/۷۳۷-، میزان ابراز عواطف در خانواده با بتای ۰/۶۹۲- و میزان ایفای نقش‌های خانوادگی با بتای ۰/۰۶۹ به ترتیب بیش‌ترین سهم را در تبیین متغیر وابسته‌ی رفتارهای خرابکارانه‌ی دانش آموزان دارند که ارتباط متغیرهای مستقل و وابسته نیز طبق تحلیل واریانس معادله‌ی رگرسیونی خطی است ($p=۰/۰۰۰, F= ۴۹/۵۲$).

مدل رگرسیونی در معادله‌ی زیر و براساس ضرایب بتای استاندارد شده‌ی مدل رفتارهای خرابکارانه برآزش شده است.

$$\text{نقش‌های خانوادگی (۰/۰۶۹- (مقدار ثابت: ۴/۰۶۹) = رفتارهای خرابکارانه‌ی دانش آموزان (میزان ابراز عواطف) (۰/۶۹۲- (میزان حل مشکل) (۰/۷۳۷-}$$

جدول شماره‌ی سه- ضرایب بتاهای متغیرهای مستقل مؤثر بر میزان خرابکاری دانش آموزان

Sig.	مقدار t	ضرایب استاندارد نشده		متغیرها
		Beta	Std.Error	
۰/۰۰۰	۲۵/۹۷۴		۰/۱۵۷	مقدار ثابت
۰/۰۴۹	-۰/۸۳۰	-۰/۰۶۹	۰/۱۲۵	ایفای نقش‌های خانوادگی
۰/۰۰۰	-۱۱/۰۵۸	-۰/۷۳۷	۰/۱۰۷	حل مشکل
۰/۰۰۰	-۱۰/۲۴۶	-۰/۶۹۲	۰/۱۰۳	ابراز عواطف

متغیر وابسته: میزان رفتارهای وندالیستی (خرابکارانه) دانش آموزان دبیرستانی

۵- نتیجه گیری

تحقیق حاضر شامل یک فرضیه‌ی اصلی، سه فرضیه‌ی فرعی و دو فرضیه‌ی مربوط به متغیرهای زمینه‌ای فردی و خانوادگی بود که به‌جز ارتباط پایگاه اقتصادی اجتماعی، تمامی فرضیات تأیید شد. میچل استوود (۲۰۰۱) عنوان می‌کند که میان عملکرد خانواده و شدت بزهکاری نوجوانان رابطه وجود دارد. نتایج حاصل از این پژوهش نیز مؤید این مطلب است. در

واقع هر چه سطح عملکرد خانواده پایین باشد، احتمال بروز رفتارهای وندالیستی در نوجوانان بیش‌تر می‌شود و این موضوع را باید مدّ نظر قرار داد که عملکرد خانواده به عنوان یک عامل پیش‌بینی‌کننده‌ی مهم برای بروز رفتارهای خرابکارانه است.

نقش‌های خانوادگی زمانی به مؤثرترین شکل تحقق می‌یابد که در برگزیده‌ی تمام کارکردهای ضروری خانواده باشند و به‌طور عادلانه میان اعضا تقسیم شود و همچنین درباره‌ی انجام وظایف اعضا پی‌گیری مستمری انجام گیرد. در خانواده‌های نوجوانان خرابکار به خاطر از هم‌گسیختگی و غفلت خانوادگی تخصیص نقش‌ها در خانواده به درستی صورت نمی‌گیرد. والدین دچار غفلت می‌شوند و به مسائل تربیتی، تحصیلی، اقتصادی و تفریحی کودکان و نوجوانان اهمیت نمی‌دهند و آن‌ها را به حال خود رها می‌کنند و فرزندان بیش‌تر به اجتماع و گروه‌های همسالان روی می‌آورند و نظارت والدین بر روی آن‌ها کم می‌شود.

عموماً مرزها در خانواده‌های نوجوانان خرابکار شرایط مناسبی ندارد، چنین خانواده‌هایی احتمالاً اعضایشان را به سمت رفتارهای مخرب و پرخاشگرانه پنهانی سوق می‌دهد و مبارزه برای کسب قدرت در خانواده شدت می‌گیرد. در خانواده‌های نوجوانان غیرخرابکار نقش‌ها شرایط مطلوب‌تری دارند. چون نقش‌های خانوادگی شامل: نقش‌ها و وظایف اعضای خانواده، چگونگی تقسیم وظایف میان اعضا، قدرت برنامه‌ریزی برای ادای وظایف، تبیین نقش‌ها و مرزها برای اعضا و وضع مقررات برای برقراری نظم در خانواده‌های نوجوانان خرابکار نسبت به نوجوانان غیرخرابکار در سطح پایین‌تر است. این امر تأثیر زیادی در ایجاد رفتار بزهکارانه‌ی آنان داشته است. در واقع این موضوعات باعث شده‌اند که خانواده‌های نوجوانان غیرخرابکار محیطی امن برای آن‌ها باشد و نوجوانان با پناه بردن به آن از گزند آسیب‌ها دور باشند. ضعف در اجرای نقش‌های خانوادگی یکی از زمینه‌های اصلی بروز اختلالات رفتاری به‌ویژه خرابکاری در نوجوانان است.

منابع و مأخذ

۱. اعزازی، شهلا (۱۳۸۰) جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر، تهران: انتشارات روشنگران.
۲. بارکر، فیلیپ (۱۳۷۵) خانواده درمانی پایه، ترجمه‌ی محسن دهقان و زهره دهقان، تهران: انتشارات رشد، چاپ اول.
۳. جوادی، سید محمد حسین (۱۳۸۳) مقایسه عملکرد خانواده نوجوانان بزهکار و غیر بزهکار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مددکاری اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی
۴. جی گود، ویلیام (۱۳۷۲) خانواده و جامعه، ترجمه‌ی ویدا ناصحی، تهران: انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۵. رمضانی، محمد (۱۳۸۸) بررسی عوامل مؤثر بر خرابکاری دانش آموزان، طرح پژوهشی، سازمان ملی جوانان.
۶. سلیمی، علی و داوری، محمد (۱۳۸۰) جامعه‌شناسی کجروی، قم: حوزه و دانشگاه.
۷. شهبازی، فرشاد (۱۳۸۷) فضای اجتماعی و عملکرد خانواده، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد مددکاری اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی.
۸. گروئرز، چارلز. (۱۳۷۸) جامعه‌شناسی مرتون، ترجمه‌ی زهره کسای، تهران: علامه.
۹. گلادینگ، ساموئل (۱۳۸۲) خانواده درمانی، تاریخچه، نظریه و کاربرد، ترجمه‌ی فرشاد بهاری و همکاران، تهران: انتشارات تزکیه، چاپ اول.
۱۰. محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۰) بیگانگی، نامه‌ی علوم اجتماعی، شماره‌ی دو.
۱۱. محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۳) وندالیسم، تهران: انتشارات آن.
۱۲. مینو چین، سالوادور (۱۳۷۵) خانواده و خانواده درمانی، ترجمه‌ی باقر ثنایی، تهران: انتشارات امیر کبیر، چاپ دوم.
۱۳. نجاریان، فریده (۱۳۷۴) عوامل مؤثر بر کارایی خانواده، بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس سنجش خانواده (FAD)، پایان‌نامه‌ی کارشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
۱۴. نوروزی، مجید (۱۳۷۷)، تأثیر کارایی خانواده در ابتلا به اختلال روانی نوجوانان گروه سنی ۱۵ تا ۱۸ ساله شهر تهران، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
۱۵. Ball, J. (2005). «The moderating effects of family structure on Juvenile vandalism». Ph.D Dissertation. Georgia state University.
۱۶. Hirschi, T. (1969) «Causes of Delinquency». Berkely.

۱۷. McCorry ,T(۲۰۰۵) «**Parental control gender and vandalism**». Ph.D Dissertation. State university of NEW York.
۱۸. Mukash,C(۲۰۰۶). «**Family structure and vandalism**». Ph.D Dissertation. The American University.
۱۹. Pope,F(۱۹۸۸).«**The Family Delinquency and Addiction**».University of Wisconsin.Sage